

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه سوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیام‌هایی که بدون این فعالیت‌ها میسر نیست، و البته فراموش نمی‌کنیم که کلاس‌های داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم‌کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکان‌مان را هر چه زیباتر، رنگارنگ‌تر و غنی‌تر کنیم و با قدرت داستان‌نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آن‌ها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

مرحله‌ی دوم کوه داستان سه مرحله‌ای، بلندترین بخش آن است. میانه، تقریباً نیمی از داستان را به خود اختصاص می‌دهد. در این بخش شخصیت اصلی با مشکلش روبه‌رو می‌شود و وارد دنیای آن می‌شود. حالا باید دنبال راه حلی برای حل آن باشد. ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های او، در این جا تعیین کننده هستند. این مسائل تعیین می‌کنند که شخصیت ما در این مرحله چه خواهد کرد و با مشکل چه‌گونه مواجه می‌شود.

قصه‌ای از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان پیدا کنید و برای بچه‌ها بخوانید. پس از این که مرحله‌ی شروع تمام شد قصه را متوقف کنید. می‌توانید از قصه‌ی زیر استفاده کنید:

«یک گول تنها بود که در غاری زندگی می‌کرد. او خیلی بزرگ بود و چهره‌ی زیبایی نداشت. به همین خاطر همه از او می‌ترسیدند و کسی با او دوست نمی‌شد. یک روز که گول تنها جلوی غار نشسته بود و حوصله‌اش سر رفته بود، نگاهش به یک جغد افتاد و با او هم صحبت شد. گول مشکلش را به جغد گفت. جغد هم جواب داد: خب پس چرا نمیری سراغ گل رنگارنگ؟ گول پرسید: گل رنگارنگ چیه؟ جغد گفت: این گل روی قله‌ی کوه بلند رشد می‌کنه و هرکسی اون رو بخوره می‌تونه خودش رو تبدیل کنه به هر موجود دیگه‌ای که دلش می‌خواد. گول خوشحال شد و راه افتاد.»

به بچه‌ها یادآور شوید که از این جا به بعد، مرحله‌ی پس از شروع است. جایی که شخصیت با مشکل روبه‌رو می‌شود و می‌خواهد آن را حل کند. از دانش آموزان بخواهید حدس بزنند در ادامه چه اتفاقاتی برای گول تنها می‌افتد؟ او برای رسیدن به گل رنگارنگ چه چالش‌هایی را پشت سر می‌گذارد؟! سپس ادامه‌ی قصه را برایشان بخوانید.

«گول تنها به سمت کوه راه افتاد. اما اول از همه با یک باتلاق بزرگ روبه‌رو شد. او نمی‌دانست چه‌طور از آن جا رد شود. گول بزرگ و قوی بود. چند درخت را از ریشه در آورد و کنار هم گذاشت و با آن‌ها قایق درست کرد. از باتلاق گذشت و به کوه رسید. از کوه بالا رفت و دید که گل، یک محافظ دارد. مار بزرگی محافظ گل بود. گول با مار مبارزه کرد و هرطور شده گل رنگارنگ را با خودش برداشت. سپس تمام راه را برگشت و به خانه‌اش رسید. گول در غار بود و گل را در دست داشت. می‌خواست آن را بخورد که نگاهش به یک جوجه تیغی کوچک افتاد. جوجه تیغی گریه می‌کرد. گول از او پرسید: برای چی گریه می‌کنی؟ جوجه تیغی گفت: جادوگر بدجنس دوست من رو طلسم کرده. اون تبدیل به قورباغه شده. گول تنها به فکرش رسید که با گل رنگارنگ مشکل جوجه تیغی حل می‌شود. اما خودش به گل نیاز داشت. اما گول قصه‌ی ما قلب مهربانی داشت. او گل را به جوجه تیغی داد و گفت: با این مشکل حل میشه. این گل رنگارنگه. جوجه تیغی رفت و گول بار دیگر تنها شد. کمی گذشت و جوجه تیغی و دوستش پیش گول برگشتند. آن‌ها از گول تشکر کردند و تبدیل به بهترین دوست‌های او شدند. گول بدون آن که خودش را عوض کند، دوستان خوبی پیدا کرده بود.»

تمرین:

۱/ از بچه‌ها بخواهید لیست شخصیت‌هایی که بعد از شروع به قصه‌ی فوق اضافه شدند را بنویسند.

سپس روبه‌روی هر شخصیت، نسبتش با شخصیت اصلی را بنویسند. آیا با او دوست بودند یا دشمن؟ آیا او را راهنمایی کردند یا مقابلش ایستادند؟

(در میانه، شخصیت‌های فرعی به قصه اضافه می‌شوند. جواب دادن به این سوال، می‌تواند کودک را با این مساله آشنا کند.)

۲/ به دانش آموزان بگویید با توجه به قصه‌ی فوق، لیست مکان‌هایی که شخصیت اصلی از آن‌ها عبور کرد را بنویسند و آن‌ها را نقاشی کنند.

(در میانه، شخصیت اصلی معمولاً از محل زندگی خود دور شده و در مکان یا مکان‌های دیگری به جست‌وجوی راهکار حل مشکلش می‌گردد.)

چگونه ادامه دهیم؟

میانه، مخزن سوخت قصه است. هرچقدر غنی تر و قدرتمندتر باشد، قصه نیز قوی تر خواهد بود. در میانه سرعت وقوع رویدادها مشخص می‌شود. خواننده در این قسمت دچار هیجان می‌شود و حوادث مهم در این بخش شکل می‌گیرد. شخصیت اصلی این جا با مشکلات و سختی‌ها برخورد می‌کند و دوستان و دشمنان خودش را پیدا می‌کند.

شخصیت‌های مختلفی را همراه با یک مشکل طراحی کنید. سپس از بچه‌ها بخواهید برای حل مشکلش راهکارهایی بنویسند. برای مثال:

- قورباغه‌ای که توپش در حیاط خانه‌ی تمساح‌ها افتاده است.
- گلدانی که گیاهش در حال پژمرده شدن است.
- ماهی‌ای که می‌خواهد وسط جنگل را ببیند.

راهکارهایی که بچه‌ها برای حل مشکل این شخصیت‌ها پیشنهاد می‌دهند، چیزی شبیه به پیدا کردن میانه برای قصه است. تمرین فوق را با مثال‌های مختلفی برای بچه‌ها تکرار کنید. دقت کنید که لازم نیست بچه‌ها سمت قصه‌نویسی بروند. در این تمرین فقط و فقط مهم این است که برای مشکلات راهکار پیدا کنند.

- پسر بچه‌ای که مداد زردش از او ناراحت شده و فرار کرده است.
- دختر بچه‌ای که عروسکش از او برای نجات بقیه‌ی عروسک‌ها که توسط یک غول زندانی شده اند، کمک خواسته است.
- لاک پشتی که می‌خواهد در مسابقات دو جنگل شرکت کند و برنده شود.

تمرین:

۱/ از بچه‌ها بخواهید با استفاده یکی از مثال‌ها و راهکارهای فوق مشکل شخصیت را حل کنند و قصه‌ی آن را بنویسند.

لازم نیست قصه‌هایی که بچه‌ها در کلاس می‌نویسند بلند و کامل باشد. همین که تلاش کند با چند جمله ماجرای را روایت کند کافی است. در این تمرین، با توجه به این که شخصیت، مشکل و راه حل مشخص شده، نوشتن قصه در چند جمله کار چندان سختی نیست.

از آنها بخواهید قصه‌ی کامل را در خانه با کمک بزرگترها بنویسند و هفته‌ی آینده به کلاس بیاورند.